



نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره ی هند

پدیدآورده (ها) : گلی زواره، غلامرضا

فلسفه و کلام :: درس‌هایی از مکتب اسلام :: آذر 1395 - شماره 667

از 40 تا 47

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1190661>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 02/05/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir



نفوذ و گسترش اسلام و

تشیع

در شبه قاره هند

کشوری وسیع در قاره‌ای
بزرگ

قاره آسیا با مساحتی برابر

۴۴/۵ میلیون کیلومتر مربع و سکنه‌ای
متجاوز از سه میلیارد نفر، بزرگ‌ترین
خشکی کره زمین به شمار می‌رود.
قلمروی که به لحاظ موقعیت، از خط
استوا تا قطب و از نصف‌النهار
۲۷ درجه تا ۱۸۰ درجه شرقی را در بر
گرفته است.

در قاره آسیا بلندترین قله‌ها
(اوریست)، گسترده‌ترین فلات‌ها،
جلگه‌ها و دشت‌ها و طولانی‌ترین و
پرآب‌ترین رودها وجود دارد. به
سبب کشیدگی بین خط استوا تا قطب
شمال، تنوع ناهمواری‌ها، دور و
نزدیکی به دریا و ارتفاع از سطح

نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

کشورها ۲۵ درصد مساحت آسیا را به خود اختصاص داده است^(۳). آسیای جنوبی غالباً اقلیم موسمی و استوایی دارد و به همین علت سرزمینی سرسبز و خرم و پر نعمت به شمار می‌رود. **جمهوری هند (بهارات)** که نام بین المللی آن ایندیا (India) می‌باشد، به **هندوستان** و نیز کشور هفتاد و ملت موسوم است. هندوستان در واقع بخش عمده و مرکزی شبه قاره هند در جنوب آسیا - به علاوه جزایری در بخش شرقی اقیانوس هند - را شامل می‌شود. وسعت آن به ۳/۲۸۷/۵۹۰ کیلومتر مربع بالغ می‌گردد که از این لحاظ، در جهان مقام هفتم و در قاره آسیا - بعد از روسیه آسیا و چین - رتبه سوم را به خود اختصاص داده است. اما (هند) از نظر سکنه، دومین کشور جهان

دریای آزاد، می‌توان همه نوع آب و هوا را در این بخش از کره زمین مشاهده کرد. انواع جنگل‌ها، صحراها، کویرها، بیابان‌ها و نواحی پوشیده از یخ و پستی و بلندی‌ها، سیمای طبیعی آسیا را ترسیم می‌کند^(۱). حدود ۶۸ گروه نژادی در نقاط مختلف این قاره پراکنده‌اند. ۶۵ درصد ساکنان کره زمین در این خشکی پروسعت سکونت دارند. آیین مسیح کم‌ترین پیروان را در این ناحیه از جهان دارد و تنها درصد اهالی آسیا پیرو این دین آسمانی بوده‌اند در حالی که ۷۰ درصد مسلمانان در این قاره اسکان یافته‌اند که ۶۵ درصد آنان در کشورهای مستقل اسلامی و بقیه در سرزمین‌های غیرمسلمان به عنوان اقلیت زندگی می‌کنند^(۲).

پانزده کشور مستقل که عضو سازمان کنفرانس اسلامی هستند، در این قاره واقع‌اند که بین ۵۵ تا ۹۹ درصد مسلمانان را در خود جای داده‌اند. مجموعه مساحت این

۱. کلیات قاره‌ها، سید رحیم مشیری، ص ۱۹.
۲. جغرافیای جهان اسلام، عبدالرضا نکته‌سنج، ص ۱۸۸-۱۸۷.
۳. شناخت کشورهای اسلامی، ص ۱۱۹-۱۱۸.

همیالیا قرار دارد و از حدود مرزهای برمه (میانمار) و چین تا مرزهای پاکستان در وسط کشور واقع شده است. ارتفاعات آن غالباً در نواحی غربی و جنوب غربی هستند. جلگه‌ها قسمت اعظم آن را تشکیل می‌دهند. بیابان وسیع تار در غرب آن واقع گردیده است. اکثر پوشش گیاهی طبیعی آن جنگل است و آب و هوایش در بخش غربی، گرم و خشک، و در سایر نقاط، گرم و مرطوب است.

۳. منطقه دکن که قسمت‌های مرکزی و جنوب کشور را شامل گردیده و بخش وسیعی از آن را فلات و ارتفاعات پوشانیده است. جلگه‌های عمده در شرق و کناره غربی قرار دارند. رودهای فراوانی در این ناحیه جاری هستند. آب و هوای آن غالباً گرم و مرطوب و از بارندگی نسبتاً زیادی برخوردار است^(۲).

۱. بررسی وضع ملت‌های جهان، لنی زیگل و دیگران، ترجمه امید بهروزی، ص ۲۷۶.
۲. آسیا (شناسایی کشورها)، ترجمه فرامرز

-بعد از چین- به شمار می‌آید، زیرا جمعیت آن در سال‌های اخیر به حدود یک میلیارد و دویست میلیون نفر رسیده است^(۱).

کشور هند از نظر سیمای جغرافیایی (ژئومورفولوژی و توپولوژی) به سه ناحیه عمده تقسیم می‌شود:

۱. منطقه شمالی که از مرزهای پاکستان تا مرزهای چین، نپال، بوتان و میانمار گسترده شده و مرتفع‌ترین ناحیه هند است. رشته‌کوه‌های همیالیا مهم‌ترین ارتفاعات آن است، رودهای مهمش را شاخه‌های رود گنگ و سرچشمه‌های برهماپوترا تشکیل می‌دهند و بخش اعظم آن را جنگل‌های استوایی و کوهستانی پوشانیده‌اند. آب و هوایش در آسام مرکزی معتدل و در سایر نواحی، سرد و کوهستانی بوده و میزان ریزش‌های جوئی آن بیش از دیگر نقاط هند می‌باشد.

۲. ناحیه حاصل‌خیز و پرجمعیت گنگ و برهما پوترا که در جنوب

نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

در آغاز دوران فتوحات مسلمانان غالباً توجه فاتحان به سوی خراسان و آسیای مرکزی معطوف بوده است تا به جانب هند. در زمان خلیفه سوم، **حکیم بن جبلة** مأمور گردید که به سند برود و از اوضاع، کیفیت اقلیمی، احوال ساکنان آن و نیز امکانات موجود برای انجام اقدامات نظامی کسب خبر کند. وی چندی در نواحی مختلف آن حدود سیر و سفر کرد و چون به حجاز بازگشت به خلیفه این گونه گزارش داد: «آبش تیره، میوه‌اش ترش و زمینش سنگلاخ و خاکش شور است. اگر سپاه اندکی به آنجا برود، تلف گردد و در صورتی که لشکر کثیری اعزام شوند، از شدت گرسنگی هلاک گردند». رزمندگان اسلام از آغاز تا ایام **عبدالملک بن مروان** چندین بار به حدود **مکران** و **سند** یورش بردند و در مواردی، برخی از بلاد آن نواحی

وجه تسمیه هند تا قبل از ورود آریایی‌ها در هزاره دوم قبل از میلاد، به سرزمین کنونی هند عنوان خاصی اطلاق نمی‌شده است. هندوها کشور خود را **بهارات** نامیده‌اند که این کلمه نام یکی از قبایل آریایی مهاجر به هند است. در ادب فارسی **بهار چین** معادل بهشت گنگ می‌باشد که به معنای بهشت روی زمین است. اما نام عمومی هند برگرفته از بخش غربی آن یعنی دره رود **سند** است که به **ایندو** یا **سندھو** معروف بوده و در زبان یونانی و لاتینی آن را به صورت **ایندوس** به کار برده‌اند. از این واژه، اروپاییان **ایندیا** (India) را ساخته و به کار گرفته‌اند اما ایرانی‌ها از لغت **سینهو** لفظ **هندو** را ساخته‌اند و با اضافه کردن پسوند «ستان»، به این کشور، **هندوستان** گفته‌اند^(۱).

یاوری، ص ۲۷۹، گیتاشناسی نوین کشورها، ص ۴۶۷.

۱. ریشه‌یابی نام و پرچم کشورها، رسول خیراندیش و سیاوش شایان، ص ۲۴۷-۲۴۵.

نیز مهمات و خوار و بار و آنچه لازمه این لشکرکشی بود، به جانب سند فرستاد. او در این یورش موفقیت‌های شایان توجهی به دست آورد و موفق گردید راه را برای استیلای فرمانروایان مسلمان بر بخش بزرگی از هند بگشاید. این فتح در واقع طلیعه حکمرانی مسلمانان در هند می‌باشد. برخی منابع خاطرنشان کرده‌اند که **محمد بن قاسم** که هفده ساله بود، به سند فرستاده شد تا انتقام زنان مسلمانی را بگیرد که اسیر دزدان دریایی شده بودند. دیرزمانی نگذشت که او با لشکر خود ناحیه کنار رود سند تا **مولتان** را فتح کرد.

بومیان آن‌جا که اکثراً بودایی مذهب بودند، از حکمران برهمن **داهه** که خاندانش به تازگی به قدرت رسیده بودند، ناراضی بودند و چنین به نظر می‌آید که پیروان بودا در این قلمرو نه تنها مانع لشکرکشی

را به تصرف درآوردند، ولی هیچ یک از این اقدامات نتیجه قطعی و نهایی به دست نیاورد.

در دوران خلافت **ولید بن عبدالملک**، گروهی از مسلمانان که بیشتر زنان و کسانی بودند که به قصد تجارت در **سراندیب** (سریلانکای کنونی) توطن جسته بودند، با کشتی به سوی حجاز سفر می‌کردند که باد مخالف کشتی را به ساحل **دیبل** -از شهرهای ساحلی هند- راند و سارقان این نواحی، کالاهای مسلمانان را به غارت بردند و زنان ایشان را به اسارت گرفتند. این واقعه، مقدمه لشکرکشی به سند و تسخیر آن سرزمین به دست مسلمانان بوده است^(۱).

رفتار انسانی فاتح مسلمان سرانجام **محمد بن قاسم** در سال ۹۲ق مأمور گردید تا این منطقه را فتح نماید. او به فرماندهی سپاهی بزرگ منصوب گردید و از طریق فارس و کرمان روانه سند گشت و از راه دریا

۱. فتوح البلدان، بلاذری، ص ۴۳۶-۴۳۲، چچنامه، ترجمه علی بن حامد کوفی، ص ۷۵-۷۲.

نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

دیگر، در این ناحیه مسجدی بنا کرد تا افراد تازه‌مسلمان در آن به عبادت و ذکر بپردازند^(۱).

بعد از بازگشت وی به عراق، جانشینان ایشان نیز از همین شیوه متابعت کردند. یکی از این مساجد که گمان می‌رفت اولین محلی باشد که مسلمانان در آنجا قدم به خشکی نهاده‌اند، نمونه‌ای است از سنگ‌بنای مساجد کشورهای اسلامی خاورمیانه. این مسجد کتیبه‌ای دارد که به صورت تزیینی به خط کوفی ساده نقش گردیده است.

شهر بزرگ سند، منصوره بود که در اوایل قرن دوم هجری بنا گردید و این خردادبه آن را همچون جزیره‌ای وصف می‌کند که شاخه‌های رودخانه سند آن را در برگرفته است. ابن حوقل در *صورة الارض و ادریسی* در *نزهة المشتاق* از شهر بزرگ و پرجمعیت منصوره سخن گفته‌اند که مرکز تجارت با سرزمین‌های

محمد بن قاسم نشدند، بلکه این کار را سهولت بخشیدند. این فرمانده مسلمان در جهت گرویدن قاطبه مردم به اسلام، کسی را مجبور نکرد و مردم را در انتخاب دین و آیین خود آزاد گذاشت و سعی نکرد تا ساختار اجتماعی سرزمین سند را دگرگون سازد و چون بیشتر به سوی شمال این منطقه پیش می‌رفت، با احتیاط کامل عمل می‌کرد.

از برخوردها و رفتارهای این‌گونه بر می‌آید که به بوداییان و هندوان همچون مسیحیان و یهودیان نگریسته و به گفته بلاذری، او در الور (Alor) - حوالی باریکه‌های مهم و استراتژیک سند، نزدیک رهری (Rohri) امروزی - بر زبان رانده است که معابد؛ همچون کنیسه‌های مسیحیان و یهودیان یا آتشکده پارسیان است. حتی او در مولتان که معبد خورشید قرار داشت، دستور به ویرانی این بنا را نداد و مراقب بود در آغاز فتوحات، عقاید خود را بر ایشان تحمیل نکند، بلکه مانند جاهای

۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۵۶۲.

فهرست طولانی نام علمایی با نسبت منصور، دیبلی، سندی و غیره که در کتب تراجم، تذکره‌ها و دانشنامه‌ها آمده است، نشان می‌دهد که شمار دانشمندانی که در سند زندگی می‌کرده‌اند، واقعاً چشم‌گیر بوده است.

نخستین سیّاحی که از این ناحیه دیدن کرده است، در کتاب عجایب الهند خود گزارش می‌کند: حکمران شهر را (Ra) از امیر منصور خواست تا کسی را برای تعلیم دروس اسلامی نزد وی بفرستد. دانشمندی به سوی شهر «را» رفت و بعد از آن که موضوعات فقهی را آموزش داد، قرآن کریم را از آغاز تا سوره «یس» برای آن حاکم (راجه) ترجمه کرد^(۱).

هنری لوکاس در تاریخ تمدن خود نوشته است: همان‌طور که پیدایش اسلام در تاریخ اقوام آفریقایی، اسپانیایی، عربی، سوری،

حاصل خیز اطراف و دارای بازارهای مملو از امتعه و گوشت و میوه ارزان بود. چندی بعد شهر دیگری به نام محفوظه در مقابل منصوره بنا گردید. مسعودی این دو شهر و مولتان را ستوده و گفته است: «در آن جا به زبان عربی و سندی سخن گفته می‌شد».

اگرچه یافتن آثاری درباره شهرهای کهن که مسلمانان در ابتدای فتوحات هند در سند سفلی بنا کردند قدری دشوار است، اما میراث فرهنگی آن هنوز باقی است. سند حالت دستگاہ تقویت‌کننده‌ای را داشته است که بدان وسیله ریاضی، هندسه و نجوم به سرزمین‌های مرکزی اسلام انتقال می‌یافته است.

فعالیت مبلغان مسلمان

از آن جا که این سرزمین تازه فتح شده، به تعالیم مذهبی، ارشاد افراد و بیان مباحث اعتقادی و شرعی نیاز داشت، عده‌ای از متکلمان و محدثان و فقیهان در این خطه تلاش‌های علمی و آموزشی ارزنده‌ای داشته‌اند.

۱. ظهور و دوام اسلام در هند، آن ماری شیمل، ترجمه حسن لاهوتی، کیهان اندیشه، ش ۲۳، فروردین-اردیبهشت ۱۳۶۸، ص ۳۶۲.

نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

منطقه سند را به طور کامل فتح کنند و به سوی نواحی باختری هند پیش بروند. هرچند آنان به وسیله حکام محلی عقب رانده شدند، اما قدرت سیاسی خود را در سند همچنان حفظ کردند. گسترش اسلام در هندوستان به دو دلیل بسیار مهم و عمده بود: اول آن که تنها عامل برتری انسان‌ها در آیین اسلام، پرهیزگاری، ایمان و عمل صالح می‌باشد و این دین آسمانی مخالف هرگونه امتیاز طبقاتی بود، در حالی که یکی از نقاط ضعف هندوئیسم، وجود سلسله مراتب طبقاتی و برتری‌های نژادی در آن بود. و دوم آن که رهبری دینی در اسلام و مقام آن منحصر به قشر خاصی نبود^(۲).

آسیای صغیر، ایرانی و آسیای مرکزی مهم بود، در فرهنگ هند نیز تأثیری به‌سزایی داشت. قدرت مسلمانان در ایران، بلوچستان و افغانستان استقراری باثبات یافت و به تدریج از آنجا به سرزمین‌های سند و پنجاب رسید و محمد بن قاسم فرمانده مسلمان، به انتقام حمله‌ای که به تاجران عرب مستقر در بصره صورت گرفته بود، از بلوچستان به سند یورش برد و این قلمرو را به ولایتی اسلامی تبدیل کرد و مدتی مظهر گسترش فرمانروایی مسلمانان در هند بود تا آن‌که در غزوه افغانستان، ترکان به قدرت رسیدند و در این ایام جهاد علیه هند آغاز گردید و پیشروی پیروزمندانه مسلمانان در هندوستان با اقتدار و صلابت افزون‌تری از سر گرفته شد^(۱).

تا مدت دو بیست سال مسلمانان در بخش‌هایی از این سرزمین به خصوص در مولتان حکومت داشتند و چندی بعد از فتوحات محمد بن قاسم، مسلمانان موفق گردیدند

۱. تاریخ تمدن، هنری لوکاس، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، ج اول، ص ۴۲۷.
۲. مباحث کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، ج ۱۲۲، ۱۲۷-۱۲۶.